

رویکرد روزنامه اختر به توسعه علمی و پیشرفت و عقب ماندگی

دکتر عباس قدیمی قیداری، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز
بیژن پروان، دانشجوی دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام (نویسنده مسئول)

چکیده

نشریات در تاریخ معاصر یکی از ابزارهای مؤثر اطلاع رسانی هستند. در دوره قاجاریه، هم‌زمان با سلطنت فتحعلی شاه، عباس میرزا تعدادی از ایرانیان را برای فراگیری علوم و فنون به اروپا اعزام کرد. یکی از آنان به نام میرزا صالح با خرید دستگاه چاپ و آموختن به کارگیری آن، به کمک مهندسی فرانسوی نخستین روزنامه را با عنوان «کاغذ اخبار» در دوره محمدشاه به راه انداخت. گام دوم را امیرکبیر در زمان حکومت ناصرالدین شاه با چاپ روزنامه «وقایع اتفاقیه» برداشته بود. این اقدامات گرچه ارزشمند و قابل تقدیر بود، ولی انتظارات اقشار بیدار و دلسوز جامعه را برای اهداف بلند پیش‌رو برآورده نمی‌کرد. به دلیل استبداد شدید قاجاریه گروهی از اندیشمندان ایرانی راهی دیار غربت شدند و با مشقت‌های فراوان به چاپ نشریاتی در لندن، پاریس، استانبول، کلکته، قاهره و سایر نقاط جهان مبادرت کردند و وظیفه خود را نسبت به وطن و رهایی آن از سلطه استبداد و جهل و عقب‌ماندگی انجام دادند. یکی از این نشریات روزنامه اختر بود که از ابعاد مختلف مورد توجه پژوهشگران تاریخ ایران قرار گرفته است. اختر را از جهات گوناگونی می‌توان مورد بررسی دقیق و علمی قرار داد و به نتایج ارزشمندی دست یافت. در مقاله حاضر ما به بُعد توسعه علمی و پیشرفت و عقب‌ماندگی از منظر روزنامه اختر پرداخته‌ایم؛ امری که به نظر می‌رسد از نخستین شماره‌های به‌عنوان دغدغه‌ای دائمی و به روش‌هایی ابداعی و تأثیرگذار آن را دنبال کرده است.

واژگان کلیدی: روزنامه اختر، علم، اختراع، پیشرفت و عقب‌ماندگی، قاجاریه، اسلام و ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۳

E-mail: bparvan@yahoo.com

مقدمه

در عصر قاجاریه به ویژه عهد ناصری، تعداد معدودی روزنامه با صفحات اندک به چاپ می‌رسید که مطالب و محتوای آن از سوی حکومت و حتی شخص شاه به شدت کنترل می‌شد. به تدریج بخشی از ایرانیان اندیشمند به منظور مبارزه با استبداد قاجار و رهایی ایران از جهل و عقب‌ماندگی تصمیم به چاپ روزنامه در خارج از کشور گرفتند. قانون در لندن، عروه الوثقی در پاریس، جبل‌المتین در کلکته، پرورش در قاهره، اختر در استانبول و... چاپ شدند. سبک نگارش، تنوع اطلاعات، تعهد نویسندگان و مدیران، میزان تناسب محتوای روزنامه با حقایق، جرئت و جسارت در انعکاس واقعیات و احاطه آنان بر آخرین اخبار و اطلاعات و علاوه بر آن تشخیص نیاز مخاطبان، نحوه برقراری ارتباط با آنان و شیوه توزیع روزنامه در کنار استقلال فکری، سیاسی و اقتصادی مدیران روزنامه و عدم اتکای آنان به محافل قدرت سبب توجه بیش از پیش مخاطبان نسبت به آن می‌شد.

آغاز روابط با غرب به‌ویژه از دوره فتحعلی شاه بخشی از ایرانیان را به این اندیشه هدایت کرد که جامعه ما به چه میزان از گردونه دانش و پیشرفت عقب مانده است. استبداد قاجارها ایران را در جهل مرکب و ویرانی سوق می‌داد و مانع هرگونه تغییر و اصلاح می‌شد. نشریه‌ای چون اختر چه تصویری از علم، پیشرفت و عقب‌ماندگی داشت؟ گردانندگان، نویسندگان و مخاطبان آن چه کسانی بودند؟ این نشریه از چه روش‌هایی برای جبران این نقیصه و بیداری افکار عمومی ایرانیان بهره می‌برد؟ این نکات بخشی از مطالبی است که در نوشتار پیش‌رو به آن خواهیم پرداخت.

در زمینه رویکرد روزنامه اختر به پیشرفت علمی، مطالعات اندکی صورت گرفته است که از آن میان می‌توان به مقاله «نقد روزنامه اختر» از عبدالمهدی‌رجایی در نشریه رسانه اشاره کرد. ما در مقاله حاضر به بیان گوشه‌ای از تلاش‌های این نشریه در آگاه ساختن جامعه ایران از پیشرفت در جهان و عقب‌ماندگی ایران، در زمینه علمی و توسعه همه‌جانبه پرداخته‌ایم و تأثیرات عمیق آن را در انعکاس این وضعیت در عهد قاجار نشان داده‌ایم.

روزنامه‌ اختر

اختر نخستین روزنامه‌ ایرانی است که به سبک جدید در خارج از کشور چاپ و منتشر شده است (آرین پور، ۱۳۸۲: ۵۰-۲۴۹ و قاسمی، ۱۳۷۹: ۲۸۱).

با مرگ ناصرالدین شاه، پرونده‌ شصت‌ساله حاکمیت تقریباً انحصاری نشر مطبوعات دولتی در ایران بسته شد. پس از به قدرت رسیدن مظفرالدین شاه منورالفکران و اندیشمندان به سرعت درک کردند که محیط سیاسی و اجتماعی متفاوت با نیم قرن حاکمیت ناصرالدین شاه است (همان: ۲۸۱). تا این زمان /اختر شهرت فراوانی در ایران، هندوستان، عراق و سایر نقاط به دست آورده بود؛ به طوری که در قفقاز، مردم عوام که روزنامه خواندن را گناه می‌دانستند، خواص را که روزنامه‌ اختر می‌خواندند، «اختری مذهب» می‌نامیدند (همان: ۲۵۸ نقل از تاریخ مطبوعات براون، ج ۲: ۱۴۶). در سال‌های ۱۸۸۷-۱۸۸۸ م/۱۳۰۴-۱۳۰۵ ق. تنها روزنامه‌ خواندنی اختر بود که به صورت هفتگی در استامبول به چاپ می‌رسید. همان‌گونه که اشاره شد تاریخ تأسیس این روزنامه ۱۸۷۵ م/۱۲۹۲ ق بود و در حدود ۲۰ سال انتشار آن ادامه داشت (براون، ۱۳۶۹: ۴۱۲). این روزنامه با یاری میرزا محسن خان معین‌الملک، سفیر ایران در عثمانی و به تشویق میرزا نجفقلی خان، نایب سفارت ایران، و به مدیریت محمدطاهر تبریزی در استانبول تأسیس شد و نخستین شماره آن در روز پنجشنبه ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳/۱۲۹۲ ژانویه ۱۸۷۶ با نویسندگی میرزا مهدی اختر منتشر شد و نشر آن تا سال ۱۳۱۳ ق/۱۸۹۵ م ادامه یافت (براون، ۱۳۳۵، ج ۲: ۱۴۵). حاج میرزا نجفقلی خان (یا نجفعلی خان) خویی، متخلص به دانش، مترجم زبان ترکی سفارت و مؤلف کتاب میزان الموازین فی امرالدین که مردی فاضل بود، به‌عنوان مؤسس، مشوق و نویسنده در نشر روزنامه‌ اختر سهمی بزرگ داشت (بامداد، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۸۰). وی با یاری میرزا مهدی تبریزی، معروف به منشی اختر، یکی از نویسندگان احتمالی کتاب ابراهیم بیگ (فراهانی، ۱۳۴۲: ۳۱۵) کار نشر روزنامه را پیش برد. از نامه‌ معین‌الملک به وزارت خارجه چنین برمی‌آید که سرپرستی و چاپ و نشر روزنامه در آغاز برعهده محمدطاهر بوده، ولی از آنجا که وی به‌تنهایی از عهده انجام دادن همه امور برنمی‌آمده است، میرزا نجفقلی خان مأمور شده تا او را در این کار یاری دهد (ساسانی، ۱۳۴۵: ۲۰۵). هیئت تحریریّه آن که بیش از ۵ یا ۶ نفر نبودند، زیر نظر محمد طاهر کار می‌کردند. اختر در آغاز تأسیس غیر از جمع‌ها و یکشنبه‌ها، هر روز و پس از مدتی، هفته‌ای دوبار، شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها و در سال‌های آخر هفته‌ای یک بار در هشت صفحه و با

چاپ سربی انتشار می‌یافت و در حقیقت نخستین روزنامه به زبان فارسی بود که با حروف سربی انتشار می‌یافت (صدر هاشمی، ۱۳۳۲: ۶۳).

نشر مقالات بیدارگر در روزنامه اختر، روزبه‌روز به نفوذ آن در میان مردم افزود و دولت ایران را بیمناک کرد؛ از این رو پخش و خواندن آن در زمان صدارت امین‌السلطان از سوی ناصرالدین شاه ممنوع شد و به همین سبب در سال ۱۲۹۳ق، پس از انتشار شماره ۶۰ از نشر آن در عثمانی نیز جلوگیری شد؛ اما بار دیگر در سال ۱۲۹۴ق. آغاز به کار کرد و تا سال ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م که به فرمان دولت عثمانی تعطیل شد، نشر آن ادامه یافت (براون، ۱۳۳۵: ۶-۱۴۵). روزنامه اختر موضوعات مختلفی را دنبال می‌کرد، از جمله: آزادی، قانون، بدرفتاری پلیس با مردم، اوضاع نابسامان وزارتخانه‌های ایران، انتقاد از روزنامه‌های دولتی ایران، تفسیر محتوای فرمایشی آنها و نیز نشر نامه‌های مردم در اعتراض به این‌گونه مقاله‌ها، گزارش رویدادهای مهم کشوری مانند واگذاری امتیاز توتون و تنباکو و... (آدمیت، ۱۳۶۰: ۱۰ و آدمیت، ۱۳۵۱: ۴۰۹).

مفهوم پیشرفت و عقب‌ماندگی از نگاه متولیان روزنامه اختر

برخوردهای نظامی ایران با روسیه در دوره فتحعلی شاه و شاهان بعدی قاجار و شکست‌های مصیبت‌بار تعدادی از ایرانیان را واداشت عمیقاً به تفکر در این زمینه بپردازند. این موضوع در دوره محمد شاه، میرزا مهدی نواب طهرانی، ملقب به وقایع‌نگار را واداشت تا رساله‌ای به نام «دستورالاعقاب» بنگارد که به نقد معایب و مفاصد مربوط به دوره زمامداری محمدشاه قاجار پرداخته بود. در سال ۱۲۷۵ق. میرزا ملکم خان «کتابچه غیبی» یا دفتر تنظیمات را نوشت. در سال ۱۲۸۷ق. میرزا محمدخان مجدالملک سینکی «رساله مجدی» را نوشت و به علل عقب‌ماندگی ایران از جمله رژیم ملوک‌الطوایفی و نظام ممالک محروسه ایران پرداخت. نگارش متون و مقالاتی در خصوص حکومت فروشی، منصب فروشی، رشا و ارتشا و نکاتی از این دست شور و افری در میان ایرانیان علاقه‌مند به انجام تغییرات ایجاد کرد. میرزا یوسف خان مستشارالدوله نیز با نگارش کتاب «یک کلمه» به گوشه دیگری از علل عقب‌ماندگی ایران اشاره کرد (دهقان‌نژاد، بی‌تا: ۲۲). اما مشکلات کماکان ادامه یافت و از روشنفکران تحصیل‌کرده ایرانی در فرنگ نیز کار چندانی برنیامد. در این زمینه به طنز گفته شده است که شتر مرغ‌های ایرانی که از پترزبورگ و پاریس و سایر بلاد برگشته‌اند و دولت ایران مبالغی در تربیت ایشان متضرر شده است، دو چیز آموخته‌اند: یکی استخفاف ملت و دیگری تخطئه دولت (دهقان‌نژاد، نقل از سینکی، ۱۳۸۸: ۳۵). این مطلب بیانگر فاصله نسبی بخشی از نخبگان جامعه در آن مقطع زمانی از مردم و

جامعه است. اما روزنامه‌ اختر با آگاهی از چنین پیشینه‌ای به سراغ موضوع پیشرفت و عقب‌ماندگی می‌رود. اختر ترقیات جهان را مبتنی بر به‌دست آوردن اطلاعات و معلومات می‌داند و بس (رجایی، بی‌تا: ۱۰۴)؛ جلوه‌های مثبت تمدن غربی را می‌ستاید و بر علم دوستی و دانش جوامع غربی رشک می‌برد؛ دستاوردهای علمی آنها را منعکس می‌کند و از این‌که ما تحصیل علم را زاید می‌دانیم، افسوس می‌خورد (رجایی، بی‌تا: ۱۰۶). اختر تقلید ما از فرنگی‌ها را اسباب خرابی ملیت و وطن می‌داند (اختر، ۱۲۹۴ب) و بر فرنگی مآبانی که می‌پندارند مدنیت و انسانیت این است که دو کلمه‌ زبان خارجی یاد گرفته و در آکل و شرب و لباس و پاره‌ای عادات مذمومه از اجانب پیروی کنند، طعن‌های شدید می‌زند (اختر، ۱۳۱۲).

اختر خود را در قید و بند تعاریف قرار نمی‌دهد و به‌گونه‌ای مصداقی که برای مردم ملموس است، معیارهای پیشرفت و عقب‌ماندگی را مدنظر دارد؛ برای نمونه در این موضوع می‌نویسد: «این قند که در اکثر خانه‌های ایران زیادتر از نان صرف می‌شود، غالباً از چغندرهای فرنگستان ساخته شده و به چه زحمت‌ها بار کرده به ممالک ایران می‌برند و درمقابل آن پولی که از کیسه‌ اهالی ایران بیرون می‌آید به چه زحمت‌ها به دست آورده شده است. حال آن‌که آن چغندر را در ایران هم می‌توان به عمل آورد و کارخانه‌های قندریزی در اکثر شهرهای ایران هم می‌توان راه انداخت» (اختر، ۱۲۹۳ث).

اختر در یکی از شماره‌های دیگر خود در همین رابطه نوشت: کارخانه‌ای در حاجی‌ترخان برای قندریزی تأسیس شده است که برای تأمین مواد اولیه آن ناچارند شکر از مازندران ایران به آنجا ببرند و سپس قند تولیدی را به ما بفروشند. خلاصه چندی نمی‌گذرد که این کمپانی شکر مازندران را به نازل‌ترین قیمت حقیقی خریده به حاجی‌ترخان نقل و در آنجا قند درست نموده و دوباره به چند قیمت مقابل آن به خود ایرانیان خواهند فروخت و بدین وسیله منافع گزاف پول و نقود مملکت به خارج نقل شده، موجب فقدان نقود در داخل خواهد شد (اختر، ۱۲۹۸). این مطلب فقدان صنایع تبدیلی موردنیاز را یادآور می‌شود. راه‌آهن موضوع دیگری است که در جایگاه یکی از عوامل پیشرفت مدنظر اختر است و در شماره‌های مختلف به آن می‌پردازد. اختر به نقل از یکی از روزنامه‌ها می‌نویسد: «بنا به نجوای اخباری که چند روز پیش در بمبئی [در] گزت مطالعه کردیم، معلوم می‌شود اعلیحضرت شاهنشاه ایران تاحال دو خط گاری آتشی - راه‌آهن - در ممالک محروسه خود ساخته و پرداخته. خطی از دارالخلافه طهران به تبریز و خطی دیگر از دارالخلافه طهران به بندر انزلی» (اختر، ۱۲۹۵). این موضوع را روزنامه‌ *مفردالقلوب* مطرح می‌کند و اختر

ضمن نقد موضوع آن را نادرست می‌داند. اختر اعتقاد دارد که راه‌آهن نخستین اسباب ترقی و تمدن است و فواید آن بیش از این است که به حیطة نگارش گنجد؛ ولی نکته جای دیگر است. به اعتقاد ما هرگاه امتیاز ساختن راه‌آهن به تبعه خارجی داده شود، نساختن آن به مراتب بهتر از ساختن است (اختر، ۱۳۰۳).

احتمالاً این روزنامه تحمیل شرائط سنگین نظیر وام‌های ناعادلانه و امتیازات درخواستی آنان در قبال انجام این فعالیت را مدنظر دارد. اختر در بسیاری از شماره‌های خود فقدان امنیت، وسایل ارتباطی و راه‌های قابل استفاده در کشور را از عوامل اصلی قحطی‌های پیاپی در نیمه دوم قرن نوزدهم برشمرده است: «سبب این همه مصیبت که به ما اهالی ایران وارد آمد، از نبودن راه‌های منتظم و صاف است؛ زیرا ولایت خمسه که اسم دیگر زنجان گویند و محال گروس که تا تبریز هشت‌روزه راه می‌باشد، از سال گذشته تقریباً به قدر سی‌چهل هزار خروار گندم در انبارها به امسال مانده... و در تبریز و نواحی آن مردم از گرسنگی می‌مردند. اهالی خمسه به جهت این که از عدم وسایط نقلیه نتوانستند گندم را به تبریز نقل نموده و قیمت اعلا بفروشند، حسرت‌ها برده... هرگاه راه‌آهن بخار یا راه‌آهن اسبی بود، مطلق به اهالی از قحط این درجه ضرر مالی و جانی نمی‌آمد» (اختر، ۱۲۹۷ پ).

اختر همچنین دفاع از کالاهای داخلی را در مقابل واردات از خارج، از جمله وظایف خود برمی‌شمارد و فقدان شاهرگ حیاتی اقتصاد کشور یعنی وجود راه‌های مناسب را بیان می‌کند. همچنین فلاکت امور تجاری را به دلیل هجوم کالاهای خارجی، در نیمه دوم قرن نوزدهم توضیح می‌دهد؛ به طور نمونه می‌نویسد: «وضع تجارت تبریز خیلی رو به تنزل است؛ چنان که روزبه‌روز بدتر می‌شود. سبب این تنزل نیز به جهت مال آوردن تجار اروپایی است. اهمیت بیست سال پیش، از این شهر که نخستین مرکز تجارت ایران بود، رفته‌رفته ضایع می‌شود (اختر، ۱۳۰۰). ورود بی‌ضابطه و کنترل نشده کالاهای خارجی از مرزهای کشور از آفات مهم آسیب‌رسان به رونق تولید و اقتصاد کشور بود. اختر به ضرورت پیشرفت علوم و فنون برای ترقی اقتصاد هم توجه می‌کند (اختر، ۱۳۰۳ ج). «آبادی مملکت و ترقی‌دادن به کار صنعت و تجارت و زراعت و اعمال مفیده و امور نافع و به کار انداختن معادن و مانند آنها و ساختن فابریک‌ها [محصولات] و کارخانجات و ساختن شمندوفرها [؟] و راه‌آهن و تسویه طرق و شوارع، یعنی هموار کردن راه‌های تردد خودمان و آسان کردن راه مراودات حمل‌ونقل اشیا و مانند اینها، همه تکلیف یک‌یکان ماها و هیئت مجموعه ماهاست... اقلأ چیزهایی را که قوت غالب و پوشاک و اسباب تجمل ماست

طوری نماییم که به مقدار امکان احتیاجات خودمان را خارج کنیم و در آنچه ناچاریم عجلتاً از خارج بیاریم، در عوض آن هم چیزی داشته باشیم که اقلأً ادخالات و اخراجات ملک و مملکت ما را موازنه حاصل آید و روزبه‌روز پریشان‌تر نشویم» (اختر، ۱۲۹۳ت).

به‌منظور جمع‌بندی این بحث به انعکاس مطلبی از میرزا یوسف خان مستشارالدوله در روزنامه‌آختر می‌پردازیم: «اروپاییان بدون اغراق اعلانیه می‌بینیم که جمع ملل اسلام را در اکثر موارد دنیویه، محتاج به خود کرده‌اند و احتیاجات به ایشان، به‌حدی به درجه‌افراط رسیده که اگر پیران ما می‌خواهند تلاوت قرآن مجید بکنند، عینک کار فرنگ باید به چشم بگذارند. وقتی که می‌خواهیم در اجرای آیین دینی وقت را بشناسیم، ساعت فرنگی را بغل می‌گذاریم. اسباب روشنایی که جزو اعظم لوازم تمدن است، همه از آن‌هاست. صنعت طبع کتاب را از فرنگی‌ها اخذ کرده‌ایم. همچنین از آن‌هاست کاغذهایی که در کتاب قرآن مجید و کتب دیگر استعمال می‌نماییم. صنعت آبله‌کوبی که پنجاه سال قبل از این در ایران معمول نبود و در هر سال چندین هزار از اطفال ما تلف یا معیوب می‌شدند... از فرنگی‌هاست. پنبه را از ما یک من به دو قران می‌خرند، چلوار و چیت و امثال ذلک ساخته آورده، یک من به شصت قران به ما می‌فروشند. ابریشم را یک من به سه قران خریده برده، پرده‌ماهوت و سایر پارچه‌ها درست کرده برمی‌گردانند، یک من چهل بلکه پنجاه تومان به ما می‌فروشند. تلگراف که به‌واسطه آن با فرنگستان و چین و هندوستان و دنیای جدید مخابره می‌کنیم، از اختراعات حیرت‌آمیز آن‌هاست. راه‌آهن و کشتی بخار که ده فرسنگ مسافت را در یک ساعت طی می‌کند...» (اختر، ۱۲۹۷ب). او در پایان دست‌یابی به آگاهی و دانش را تنها راه برون‌رفت از این وضع می‌داند. اختر عواملی چون آموزش، راه‌های ارتباطی، راه‌آهن، ترویج صنعت، استقرار کارخانجات، خودکفایی در تولید زراعی، توازن در واردات و صادرات، کسب علم و... را در توسعه و فقدان آنها را در عقب‌ماندگی مؤثر می‌داند.

تحلیل کوتاهی از اختر

این روزنامه هدف اصلی تأسیس، طبع و انتشارش را خدمت به معارف بیان کرده است (اختر، ۱۲۹۳). بر سرلوحه صفحه اول کلمه‌آختر که نماد روزنامه است از دوسو در وسط به‌صورت متقارن طراحی شده و زیر آن سال تأسیس، ۱۲۹۲ و کلمه LAKHTER نوشته شده و ذیل آن

این جملات آمده است که در این روزنامه از هرگونه وقایع و اخبار و سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن گفته می‌شود.

محل چاپ اختر از ابعاد مختلف شایان توجه است. عثمانی کشوری بود که دروازه‌هایش به سوی غرب گشوده بود. نهضت اصلاحی تنظیمات را در عهد سلطان عبدالحمید تجربه کرده بود. شهر استانبول ۴۲ روزنامه به زبان‌های ترکی (شانزده روزنامه)، فرانسوی (نه روزنامه)، رومی (هفت روزنامه)، ارمنی (شش روزنامه)، عربی و بلغاری (هرکدام دو روزنامه) منتشر می‌کرد (اختر، ۱۲۹۴). ۱۶ هزار ایرانی در سال ۱۳۰۳ق، در آنجا ساکن بودند که هزار نفر به تجارت اشتغال داشتند و درواقع محل اصلی عبور تجارت ایران به اروپا بود (فراهانی، ۱۳۴۲: ۱۵۰).

اختر از ابتدا برخلاف سایر روزنامه‌های فارسی به سراغ چاپ سربی رفت و سبک نگارش ساده‌ای را برگزید؛ چراکه معتقد بود گازت و روزنامه برای بیان مطلب است، نه فضیلت فروشی (اختر، ۱۲۹۳پ). نظرات و دیدگاه‌های خوانندگان خود را منعکس می‌کرد و به تحلیل داده‌های خود می‌پرداخت و از این طریق با مخاطبان خود ارتباط برقرار می‌کرد. آماری قابل‌تأمل درباره مشتریان خود ارائه داده است: تهران ۹۰، تبریز ۷۰، کرمانشاه ۴۰، خراسان ۳۶، شیراز ۳۱، اصفهان ۲۶، عثمانی ۱۵۰، لندن ۶، پاریس ۲، وین ۵، وزارت معارف انگلیس ۱۰۰ و هندوستان ۵۵ مشترک (اختر، ۱۲۹۷).

تولد مطبوعات دولتی در ایران، توزیع دولتی را هم در پی داشت. مأموران حکومتی نخستین موزعان مطبوعات در ایران بودند. به دلیل تقاضای انعام و نارضایی مخاطبان، بخش خصوصی نیز وارد عرصه شد. در سال ۱۲۹۷ دوازده نفر در تهران به کار فروش مطبوعات اشتغال داشتند و در دوازده نقطه تهران روزنامه‌رسانی می‌کردند. از ویژگی‌های ممتاز روزنامه اختر شیوه توزیع بود. اختر در یکی از شماره‌ها می‌نویسد: «برای همه طالبان از اهالی پایتخت، خصوصاً طلبه علوم و شاگردان مکاتب... سهولتی بوده باشد، در سی پاره نسخه‌هایی که یکی یکی فروخته می‌شود - علاوه بر آبونه یا اشتراک - قرار داده شد» (اختر، ۱۲۹۳، نمره ۲۰). روزنامه اختر پس از کسب تجربیات حرفه‌ای مطالب متنوعی را در صفحات خود جای داده بود؛ برای نمونه ستون‌های مختلف این روزنامه در سال ۱۳۰۶ق، سال پانزدهم انتشار، شامل این موارد بود: تعداد صفحات ۱۲، قطع ۲۸ در ۴۰ سانتی‌متر. ستون نخست سیاسی بود و به حوادث جهان و تحلیل آنها اختصاص داشت، سپس خبرهای تلگرافی از سراسر جهان از جمله ایران می‌آمد و پس از آن اخبار سیاسی رسیده را همراه با تحلیل یا ابراز نظرات خود می‌آورد. در ستون صحیه مطالب بهداشتی و پزشکی ذکر

می‌شد. ستون اعلان، کتاب‌ها، داروها یا ابزار تازه‌ساز را معرفی و آگهی می‌کرد. در ستون صرافیه نرخ ارزهای موجود دنیا اعلام و به همین ترتیب مطالب دیگری از عثمانی بیان می‌شد. همچنین مقالات دنباله‌دار با عناوین ثابت در این روزنامه درج می‌شد.

مخاطبان اختر

از شماره‌های مختلف روزنامه‌ اختر و قرائن دیگر چنین برمی‌آید که طبقه و اصناف شهری و از آن میان دو صنفی که بیشترین ارتباط را با اختر داشتند، تجار و جمعی از دیوانیان بودند. میرزا طاهر پیش از آن که وارد روزنامه شود، به تجارت مشغول بود. بعد از آن نیز ارتباطش با این پیشه قطع نشد؛ به طوری که بیشتر معاشش از تجارت می‌گذشت (فراهانی، ۱۳۴۲: ۳۱۵). همان‌گونه که بیان شد، تبریز و کرمانشاه، دو شاهره اصلی تجارت ایران پس از پایتخت، بیشترین اشتراک را در سال ششم داشته‌اند. اطلاعاتی چون نرخ برابری ارز، نرخ کالاها، نوع کالاهای وارداتی و صادراتی و... قطعاً موردنیاز و استفاده تجار بود که به بهترین شیوه در اختر منعکس می‌شد. طیف دیگر مخاطبان، عناصر دیوانی بودند که به دلیل علاقه یا نیاز به کسب اطلاعات صحیح سیاسی از داخل و خارج و توانایی اختر در تأمین این نیاز آن را تهیه می‌کردند.

موضوع کمک‌های مالی دولت‌مردان قاجار به اختر، ابهاماتی را در رویه‌های پنهان آن برانگیخته است. عده‌ای معتقدند همان‌گونه که در رفتار دولت قاجار با افرادی چون میرزا ملکم خان، سید جمال‌الدین و میرزا یوسف خان مستشارالدوله و بالعکس فراز و نشیب‌هایی وجود داشته، اختر نیز چنین بوده است؛ از آنجاکه این موضوع به بحث ما مربوط نمی‌شود، به ذکر نمونه‌هایی اندک از جریان یادشده اکتفا می‌کنیم: در ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۳، پس از تعطیلی نه‌ماهه اختر به علت مشکلات مالی، دولت ایران برای ازسرگیری کار یکصد لیره به اختر کمک کرد (ساسانی، ۱۳۴۵: ۲۰۵). حکام، وزراء، شاهزادگان و حتی خود شاه آشکارا اختر را با حمایت‌های مادی و معنوی خود دلگرم می‌کردند. خبر اعطای این هدایا نیز با سپاسگزاری فراوان در نخستین ستون روزنامه چاپ می‌شد؛ برای مثال در سال چهارم، ولیعهد مظفرالدین، یک طاقه شال و پنجاه تومان پول برای اختر فرستاد (اختر، ۱۲۹۵پ). در سال هشتم نایب السلطنه کامران میرزا نیز ۱۸۷ تومان برای اختر فرستاد (اختر، ۱۲۹۹ب). در سال بیستم انتشار روزنامه، ناصرالدین شاه خود پانصد تومان به اختر کمک کرد (اختر، ۱۳۱۱).

شاخص‌های روزنامه خوب از نظر اختر

اختر در مقاله‌ای با عنوان «تأسیس اخبارنامه تبریز و یادآوری نصایح حکمت‌آمیز» ضمن معرفی تبریز، می‌نویسد «تبریز بزرگ‌ترین شهری در ایران است، در سرحد دو دولت بزرگ، حکمران آنجا حضرت اشرف ولیعهد است و جزو اعظم قوت و ثروت ایران و امروز الحق بهترین بنادر بریه و تجارتگاه عمده ایران و اهالی اروپا در آنجا هستند... خیلی به‌جا، بل لازم است که در آنجا نه یک، بل روزنامه‌های چند باشد؛ ولی به شرط آن که آن روزنامه شرایط و وظایف مقدسه روزنامه‌نویسی را به‌طور استقامت و اعتدال دارا بوده» (اختر، ۱۳۹۵، شماره ۳۹).

بخشی از شرایط روزنامه خوب از نظر روزنامه‌ اختر عبارت است از: مبنای کار خود را به ترویج منافع ملک و ملت بگذارد. راهنمایی در آبادی اجزای مملکت کند. از مصالح و خیرخواهی عامه و مواد نافع سخن گوید. از آن طرف متعرض به شخصیات نشود. ستایش‌های بی‌معنی را پیشه خود نسازد. از بدیهیات سخن نگوید. خاطرخواهی و چاپلوسی به کار نبرد. خلاصه کلام، روزنامه ملتی باشد نه ابزار ثناخوانی بزرگان و اعیان مملکت، و رشته کار رعیت‌داری بکند (اختر، ۱۳۹۵ ب). به لحاظ فن روزنامه‌نگاری بیان این نکات نشانگر آن است که اختری‌ها حرفه خود را به‌خوبی شناخته‌اند و می‌دانند که در مقام نشریه‌ای پیشرو و بیدارگر باید چه مسیری را طی کنند. در ادامه بیان می‌کند که اگر حکام و ارباب مناصب، وظایف و حدود تعیین شده خود را به‌درستی انجام دادند، وظیفه آنان بوده و بابت آن از ملت اجرت گرفته‌اند و نیازی به تعریف و تمجید آنان نیست و می‌نویسد که یک وقتی شنیدیم مردم ایران، بس که از حکام به ستوه آمده بودند تا این اواخر حکام و عملجات دیوانی را «اهل ظلمه» می‌گفتند (همان). شاید اشاره اختر به بعضی از نشریاتی باشد که حریم ملت و استبداد قاجاریه را نادیده می‌گرفتند و به تعریف و تمجید از استبداد می‌پرداختند. اشاره اختر به پرورش است که در یک‌پاز شماره‌های خود می‌نویسد «پدر عزیز ما مظفرالدین شاه تمام خیالات بلند و اوقات عزیزشان صرف ترقیات ایران است و منظور اصل از رنج این مسافرت - به فرنگ - تحصیل توشه و زاد تمدنی برای ایران است». بنابراین گاه از نوشته‌های اختر بوی تملق نیز به مشام می‌رسد (پرورش، ۱۳۱۸، شماره ۷).

مقایسه ایران با دیگر کشورها

بیان آداب و رسوم ملل دیگر به‌ویژه اروپاییان در شماره‌های مختلف روزنامه اختر که در ادامه به بعضی از عناوین مختلف آن اشاره خواهد شد، یکی از شیوه‌های آشنایی ایرانیان با

پیشرفت‌های دیگر کشورها و عقب‌ماندگی ایران بود (اختر، ۱۳۰۳ط) انتقاد از بعضی اقدامات نامتعارف و نستجیده در تعزیه‌ها و مطالب بیان‌شده از سوی تعدادی روضه‌خوانان که سبب کسر شأن ملت ایران در نزد سایرین می‌شود، از نکات مورد تأکید اختر است (اختر، ۱۳۰۳ظ). در نسخه‌هایی با عنوان «در عقاید باطله، بدعت و اوهام» به رواج خرافه در ایران و تأثیر منفی آن بر فهم درست مردم و گمراه کردن آنان ایراد می‌گیرد (اختر، ۱۳۰۳ع). بنابراین تلاش این روزنامه برای اصلاح اندیشه‌های نادرست، خرافات و اوهام و نسبت‌دادن آن به دین بخش دیگری از فعالیت‌های ترقی‌خواهانه انتشاردهندگان آن است. اقدام ملت فرانسه در ممانعت از استقراض دولت فرانسه از دول دیگر و گردآوری مبالغ مورد نیاز آن دولت را ارج می‌نهد و در مقاله‌ای با عنوان «قدرت و ثروت ملت فرانسه» می‌نویسد: آفرین بدین غیرت و همت! واقعا هرگاه معنی ملت این است، پس وای بر احوال ما (اختر، ۱۳۰۳ق). اختر به‌گونه‌ای قیاسی اقدام پادشاهان قاجار در غارت ملت و حتی مصادره ماترک مردگان را مورد سؤال قرار می‌دهد و ضرب‌المثل معروف «به خیر تو امیدی نیست، شر مرسان» و جدایی دولت و ملت در عصر قاجار را یادآور می‌شود. اختر به مقایسه حقوق و جایگاه زن در اسلام و اروپا می‌پردازد (اختر، ۱۳۰۳ب). نیمی از جمعیت ایران زنان بودند که علی‌رغم تمامی تغییرات تا آن وقت هیچ سخن جدی درخصوص آنان در میان نبود. این مباحث در نوع خود کم نظیر بود و گام مهمی به‌شمار می‌آمد.

علل عقب‌ماندگی

از مطالعه نسخه‌های مختلف روزنامه‌ اختر، به رویکرد مبنایی این نشریه به موضوع علم و پیشرفت و عقب‌ماندگی واقف می‌شویم. اختر در بیشتر شماره‌ها به وجهی از وجوه مختلف علل عقب‌ماندگی پرداخته است. در یکی از نسخه‌ها تحت عنوان «نیک‌بختی ایرانیان»، درباره سقوط و عقب‌ماندگی ایران بحثی انتقادی کرده و در ادامه نوشته است که ما منتظریم دولت و حکومت مکتب‌ها ترتیب بدهد و پول‌ها خرج کند و اطفال ما را تربیت کند (اختر، ۱۳۲۴).
اختر می‌نویسد: «اکنون چاره‌رهایی شرقیون درمقابل افکار استیلاجویی اروپ منحصر در اتحاد و اتفاق است. مشرقیان مشابه حالت گوسفندان چند در مسلخ است که قصاب در پیش چشم دیگری، این یکی را سر می‌برد و آن دیگری درنهایت غفلت مشغول چرا است» (اختر، ۱۲۹۹، شماره ۲۹).

در مقاله‌ای با عنوان «دانش و آگاهی» می‌نویسد: برای فهمیدن احتیاجات و راه رفع آنها چیزی را که در نخستین درجه لازم داریم علم و اطلاع است؛ زیرا علم و اطلاع کانال تمامی سعادت‌هاست و دانش و آگاهی ضامن هرگونه نیک‌بختی و نیک‌نامی است... ما پنجاه سال پیش از این، این‌طور و به این شدت محتاج به مرادوات خارجه نبودیم، هیچ زبان دیگری را هم لازم نبود یاد بگیریم (اختر، ۱۳۹۲). سرخوردگی اندیشمندان مسلمان ایرانی از عقب‌ماندگی کشور درمقایسه با اروپا و عواملی دیگر سبب شد مدیران اختر، طی چند شماره یادآوری کنند که مسلمانان و ایرانیان تا پیش از این، حرف‌های زیادی برای گفتن داشته‌اند و باید به دنبال علل این عقب‌رفت بود. در مقاله «بازمانده از مدنیت اسلامی» مطالب مفصلی درباره مدارس و علوم در جهان اسلام و تمدن اسلامی مطرح کرده است (اختر، ۱۳۰۳). تأثیرات علوم اسلامی در اروپا نیز از نگاه اختر دور نماند (اختر، ۱۳۰۳). نقش مدارس، دانشمندان، علوم و ترجمه آثار بخشی از موضوع آن مقاله بود. به جایگاه خط و زبان در عالم اسلام نیز بی‌توجه نبود (اختر، ۱۳۰۳). به بهانه بیان علم فلسفه و پیشینه آن در علوم اسلامی درباره علم طبیعیات و ارتباط آن با علم حکمت، طبابت، هندسه، هیئت، مدارس، اساتید، ترجمه و... به گونه‌ای مفصل بحث می‌شود (اختر، ۱۳۰۳). سپس با شیوه‌ای دردمندانه می‌نویسد: درحالی که چند هزار جمعیت در این پایتخت معلم داریم، یک مکتب‌خانه راه‌انداخته و آن را هم اسم مکتب ملت گذاشته‌ایم که حالت آن را همه می‌دانیم و مطلع هستیم با آن وضع ناقص، ابنای وطن ما از آن مکتب چه تحصیل توانند کرد (اختر، ۱۳۰۳ ق). نشریه اخوت نیز با طرح صدور فرمان علمای کربلا و نجف درباره دایرکردن مدارس جدید و تحصیلات اطفال مسلمین، به اعلان تأسیس مدرسه اسلامی در تهران و مقطع ابتدایی با دروسی مانند فارسی، عربی، حساب، جغرافی، قواعد شریعت و... پرداخت (اخوت، ۱۳۲۴). هدف از طرح مطالب تعدادی از روزنامه‌های داخلی آن عصر، بیان تأثیرپذیری آنان از راهی بود که بنای آن ازسوی روزنامه اختر آغاز شد. حرکت این روزنامه در زمینه علمی و نمایاندن عقب‌ماندگی ایران را می‌توان به نهضتی تعبیر کرد که به سرعت مخاطبان خود را درمیان اندیشمندان یافت و هریک به طریقی سعی کردند، این مسیر را دنبال کنند.

مصادق‌ها

روزنامه اختر از نخستین شماره‌های خود در سال ۱۳۹۲ ق، به‌طور مستمر و در تمام نسخه‌هایش، به گونه‌های مختلف بر توسعه علمی و پیشرفت و عقب‌ماندگی ایران پرداخته است؛

به بیان دیگر، این امر برای دست‌اندرکاران روزنامه اصل و جریانی مدون و تبیین‌شده بوده است که آن را سرلوحه کار خود قرار داده بودند. اگر در سایر نشریات هر از چند گاهی به گونه‌ای احساسی و سطحی به بیان مطالبی در این موضوع مبادرت می‌کردند، روزنامه‌ اختر با بهره‌گیری مناسب از شیوه‌های تبلیغی و با روش‌هایی اثرگذار این جریان را دنبال می‌کرد که ما به بخشی از آن اشاره می‌کنیم:

الف. مقالات

در غالب مقالات روزنامه‌ اختر رویکرد علمی به‌وضوح قابل‌ملاحظه است. بحث مفصل تاریخیه خط و کتابت در تاریخ بشر و پیشینه ملل، شامل اطلاعات مفید و ارزشمند طی چندین شماره طرح شده است (اختر، ۱۳۰۳د). همچنین در زمینه تمدن اسلامی و رشد علوم در نزد اعراب، به دلیل ظهور اسلام مقالاتی مطرح شده است (اختر، ۱۳۰۳د).

در سلسله مقالاتی با عنوان «غرائب عوائد ملل»، گویا به قلم میرزا حبیب اصفهانی مترجم کتاب حاج بابا (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۳۷)، در شماره‌های مختلف مباحث ارزشمندی را مطرح نموده است؛ از جمله در ارتباط با آداب و رسوم و مردم‌شناسی ملل مختلف و همچنین ضمن تشریح قوانین رایج در میان ملل، توضیحات کاملی درباره رفتار اجتماعی و مقررات حاکم بر کشورها بیان نموده است (اختر، ۱۳۰۳ص). روزنامه‌ اختر پلی هم میان دانش و وطن‌دوستی زده بود و تحت عنوان «نخستین تکلیف وطن‌داری» می‌نویسد: به اعتقاد درست توانیم گفت اطوار دانش و فرهنگ و ترتیب اسباب علم و آگاهی اولین شرط تعمیر و آبادی وطن است (اختر، ۱۲۹۳ب).

ب. اخبار اختراعات و اکتشافات در روزنامه‌ اختر

از روش‌های دیگر روزنامه‌ اختر برای ایجاد انگیزه در مخاطبان ایرانی و ایجاد تحرک در ایرانیان، بیان منظم اختراعات و اکتشافات جدید علمی و فعالیت‌های مرتبط در سایر نقاط بود. این امر به گونه‌ای حساب‌شده، مستمر و منظم صورت می‌گرفت و در تمام شماره‌ها نیز تکرار می‌شد و شاید این تکرار برای این بود که آگاهی و توجه به اختراعات به امری ضروری و عادی در زندگی روزمره تبدیل شود. در مقاله‌ای با عنوان «اکتشافات و اختراعات در اروپا» در خصوص اکتشافات جغرافیایی، چاپخانه، کارخانه پنبه، کوره فولاد، برق، خط بریل، آبله‌کوبی، موتور بخار، بالون، چراغ گاز، راه‌آهن، تلگراف، عکاسی، نساجی و... مطالب متنوعی دارد (اختر، ۱۳۰۳ج). حفر

کانال پاناما و امکانات فنی مهندسی به‌کارگرفته‌شده در آن و صحبت با مهندسان آن (اختر، ۱۳۰۳ح)، بیان تاریخچه مفصل بالن یا کشتی هوایی (اختر، ۱۳۰۳خ)، اختراع کالسکه جدید یک چرخ به‌دست مسیو ایستوانس آمریکایی (اختر، ۱۳۰۳ش) بخشی از مطالب مرتبط با علوم جدید بود که به آنها پرداخت.

اختر در ادامه انعکاس اخبار علمی، به تشریح یافته‌های جدید یکی از دانشمندان به قول خودش طبقات الارض در زمینه جزر و مد می‌پردازد و مخاطبان را مشتاقانه به سوی اعماق ناشناخته هستی هدایت می‌کند (اختر، ۱۲۹۹). تشریح فعالیت‌های علمی پاستور، دانشمند برجسته فرانسوی نیز از اقدامات دیگر روزنامه اختر بود (اختر، ۱۳۰۳ع).

ج. روزنامه اختر و ترقی دیگر کشورها

از روش‌های دیگر اختر برای تأثیرگذاری بر مخاطبان، اعم از مردم عادی، اندیشمندان و متفکران آن مقطع زمانی و نیز بعضی از دولتمردان که شاید مخفیانه آن را مطالعه می‌کردند، نه‌تنها بیان پیشرفت‌های اروپا و آمریکا، بلکه معرفی الگوهایی آسیایی نیز بود و آن را قویاً دنبال می‌کرد. در شماره‌های مختلف روزنامه اختر، ما شاهد این جریان هستیم. پس از ملاقات خبرنگار روزنامه اختر با وزیر بحریه چین، در مقاله‌ای با عنوان «آثار ترقی در چین»، جزئیات قابل‌تاملی در زمینه پیشرفت‌های این کشور بیان می‌شود. وزیر تأکید دارد که در چین، تکیه بر احداث راه‌آهن است که وجود رعیت را به موجودیت آن رفاه، و تجار و سلطنت را برای کسب منفعت کمک می‌کند. اهمیت تلگراف و تعلیم مردم با کمک آلمان‌ها و دیگران موضوع دیگری است که در این ملاقات مطرح می‌شود (اختر، ۱۳۰۳چ) در نسخه دیگری درباره ترقی حکومت ژاپن می‌نویسد: «این موضوع از ترقی و زیاده شدن مکتب‌هایش معلوم می‌شود. به موجب دفتری که در سال ۱۷۸۴ میلادی، از طرف حکومت ژاپون منتشر شده در آن وقت، یعنی دو سال پیش در ملک ژاپون بیست و نه هزار و دویست و بیست و سه مکتب و در مکتب‌های مزبور نود و هفت هزار و سیصد و نوزده معلم و دو میلیون و دویست و سی و سه هزار و دویست و بیست و نه نفر شاگرد موجود بوده است» (اختر، ۱۳۰۳خ و تمدن ۱۳۲۵ق، شماره ۳).

بیان تجربیات مفید دیگران و توصیه به بهره‌گیری از آن، شیوه مناسب دیگر این روزنامه بوده است؛ چنان‌که پس از نقل فراگیری چای‌کاری یک زن روس و جهانگردی او و درج گزارش‌هایی از تجربیات مفید او در کشت و عمل‌آوری چای در کشورهای مختلف و منافع

اقتصادی سرشار حاصل از آن می‌نویسد: «امیدواریم که وزارت تجارت ایران نیز این فقره را به‌نظر اعتنا گرفته و تدابیر لازم در این باب به‌کار برند و اسباب زرع چایی را که امروز به‌جهت اهالی ایران مانند قوت یومیه شده فراهم بیاورند که بدان جهت سالی مبالغ کلیه منافع به دولت و ملت عاید گردد» (اختر، ۱۳۰۳ص). رویکرد بهره‌وری از تجربیات فردی و ملی دیگران به‌منظور ترقی و توسعه علمی کشور مسیری بود که اختر دنبال می‌کرد. نشریات هریک شیوه‌ای برای بیان عقب‌ماندگی کشور به‌کار می‌بردند؛ از جمله یکی از روزنامه‌ها در چندین شماره، در مقالاتی با عنوان «مکاتبه سیاح ایرانی و ژاپونی» از بی‌خبری کامل تاجران ایرانی از قانون، معنی و فوائد آن، تفکیک قوا، حقوق شهروندی و... خبر می‌دهد (وطن، ۱۳۲۴ الفوب). اختر نیز در مورد سیستم روشنایی شهر نیویورک و امکانات و طرز کار آن مقاله مفصلی درج کرد (اختر، ۱۲۹۹پ).

د. انعکاس مکاتبات سایر ایرانیان در این موضوع

تعدادی از ایرانیان مقیم اروپا، با مشاهده پیشرفت‌های آنان و عقب‌ماندگی ایران اندوهگین شدند و سعی کردند با روش‌های مختلف سهمی در رهایی جامعه خود از فلاکت و بدبختی داشته باشند. بعضی از آنان با ارسال مقالاتی به نشریات مستقل نظیر اختر تلاش کردند تا وظیفه خود را در این زمینه انجام دهند و از آنجا که گردانندگان اختر همین هدف را دنبال می‌کردند، با علاقه فراوان آن مقالات را منتشر می‌کردند. مقالات دکتر تریاکیان از اعضای دارالفنون پاریس در موضوعات پزشکی و بهداشتی از جمله آن مقالات بود (اختر، ۱۳۰۳ف). اختر در زمینه دیگری نوشته است: «یکی از هم‌وطنان غیرتمند که چندی‌ست در لندن اقامت دارد، مکتوبی از آنجا برای درج شدن در صفحات اختر به اداره فرستاده است. چون مطالعه آن برای ابنای وطن مایه مزید شوق به تحصیل علوم و فنون به‌نظر آمد، لهذا مناسب دیدیم که صورت آن را ذیلاً بنگاریم. صورت مکتوب: ملاحظه ترقیات بی‌اندازه فرنگان در امر تمدن و تربیت و مشاهده عجایب منابع و بدایع اختراعات بالانهایت ایشان، که عقول مجرده از تصور آنها به حیرت اندر است، عنان اختیار را از دستم گرفته، ناگزیر از عرض این مطلب نمود. ... در این مقام چیزی که بیشتر مایه حیرت و تعجب می‌باشد، که ما طوایف مشرق زمین با همه مساعدات خلقی و فضایل طبیعی و هوش و استعداد، چرا باید در تحصیل علوم و اخذ فنون از دیگران عقب بمانیم و در تمامی ضروریات خود محتاج غیر باشیم؟» (اختر، ۱۳۰۸). نویسنده سپس با مثالی از دو فرزند سفیر ایران در لندن که با وجود هم‌کلاسی‌هایی از انگلستان، فرانسه و سایر کشورها و عدم تسلط کافی بر

زبان انگلیسی به دلیل پیشتازی در دروس مایهٔ تعجب معلمان خود شده‌اند، نتیجه می‌گیرد که تنبلی و کاهلی ما ایرانیان و درواقع، فقدان همت و ارادهٔ لازم، عامل عقب‌ماندگی ایران و ایرانی است. در ادامه لزوم اصلاح مکاتب و انتخاب وزیر معارف دانشمند برای خروج از بن‌بست در وضعیت علمی ایران را متذکر می‌شود (اختر، ۱۳۰۸ ب).

شاخص‌های توسعه از دیدگاه روزنامهٔ اختر

در مجموعه نوشته‌های روزنامهٔ اختر، چند موضوع اساسی به‌عنوان محورهای توسعهٔ همه‌جانبه مطرح شده است. ما به چند مورد از آن نکات محوری اشاره می‌کنیم.

اختر می‌نویسد: «صاحبان بینایی را پوشیده و پنهان نیست که اولین اسباب ترقی و تمدن هر ملت امر مطبوعات است» (اختر، ۱۳۰۳ پ). «لَهَذَا در میان هر ملت جهان، قدر مطبوعات از ترقی حاصل شده معلوم می‌شود که به همان پایه، علوم و فنون و صنایع آن قوم را وسعت حاصل گشته. در ممالک آلمان ۵۰۴۱ نوع روزنامه منتشر می‌شود، یعنی هر ۶۰۲۲ نفر یک روزنامه. در روسیه ۷۴۶ روزنامه، هر ۱۰۹۶۱۱ نفر یک روزنامه. در اوستریا ۱۳۷۸ روزنامه، هر ۱۶۰۷۰ نفر یک روزنامه، در فرانسه ۳۷۱۶ روزنامه، هر ۱۰۱۳۰ نفر یک روزنامه، در انگلیس ۳۰۸۸ روزنامه، هر ۱۱۴۰۰ نفر یک روزنامه.

افسوس که ما مسلمانان هنوز بدین نکته پی نبرده‌[ایم]... در ممالک وسیع دولت، قریب شصت نوع روزنامه و گزت طبع و نشر می‌شود، حکم «کان لم یکن» را دارد. اکثر روزنامه‌های مزبور هم به لسان خارجه است که دخل به عالم اسلامیت ندارد. روزنامهٔ ترکی و عربی هم محدود است. این مطلب را باید به‌طور یقین بدانیم که امروز شرف و نیک‌بختی هر ملت به علم و آگاهی است. از حالت رفتار و کردار و ترقی ملل سایره و معاملات بشریه و مدنیه که به چه جهت به سرمنز سعاد رسیده‌اند و با این واسطه اقوام بزرگ را به دائرهٔ اطاعت خود درآورده‌اند. این هم ممکن نمی‌شود مگر به دستگیری روزنامه و جریده که بدان وسیله از رفتار و کردار و حسن و قبح و بدبختی دیگران اطلاع حاصل نموده» (اختر، ۱۳۰۳ ت). در یکی از شماره‌های اختر، پس از بیان بخشی از پیشرفت‌های ملت و دولت فرانسه، نوشته شده است: «هرگاه سؤال کنند که اسباب این قدرت و مکنت چیست که مرایشان را حاصل آمده است، البته جواب داده می‌شود که کثرت ثروت از ترقیات صنعت و تجارت است. اگر پرسند ترقی تجارت و زیادی صنعت و حرفت

را سبب چیست، به‌طور واثق می‌گوییم که علم، آری، مایه نیک‌بختی‌های ملت‌ها علم است، باعث آبادی مملکت‌ها، علم است، سبب سلامت و سعادت انسان‌ها علم است. موجب هرگونه شرافت و مزیت انسان‌ها علم است. ...منشا فضائل و سرافرازی علم است؛ پس ما را لازم است که برای حصول و اکمال این مقصود، یک اتفاق مجدانه کنیم و در ترتیب اسباب تعلیم و تربیت اطفال و فرزندان خودمان، که مایه حیات و بقای نام و نشان ما در دنیا هستند، مأل اندیشی کنیم» (اختر، ۱۳۰۳ق). همان‌گونه که بیان شد تأثیرات اختر در جایگاه روزنامه‌ای پیش‌تاز در این زمینه انکارناپذیر است، چه به‌لحاظ زمانی و چه از نظر محتوایی. تکرار و استمرار این تفکر در روزنامه‌ اختر به جریان و نهضتی تبدیل شد که با جذب مخاطبان رویه‌ای ثابت به خود گرفت. اگر روزنامه‌ اختر در تمام شماره‌ها و با روش‌های مختلف به این موضوع می‌پردازد، روزنامه‌های دیگر هر از چندگاه و به‌طور مقطعی اشارات تندی به این مسئله دارند. روزنامه‌ اختر با دوراندیشی انجام هرگونه اقدام و برداشتن هرگامی در این زمینه را مستلزم برنامه‌ریزی و صرف هزینه می‌داند؛ ولی چنین هزینه‌ای نوعی سرمایه‌گذاری سودآور و ماندگار خواهد بود و چنان‌که در این روزنامه نوشته شده است: ترتیب مکتب‌ها و معلم خانه‌ها و مدرسه‌ها و متنوعات اینها ممکن نیست، مگر این‌که:

- الف. مردم که تحصیل علم را بر خود فریضه دانسته و همت خود را صرف آن نمایند.
ب. دولت و اولیای امور که امکانات و اسباب لازم را فراهم کنند (اختر، ۱۲۹۳ب).

نتیجه

ورود ایران به دوره تاریخ معاصر و ظهور قاجاریه، با اختلاف اندکی از سه واقعه مهم در اروپا و جهان روی داد. این وقایع عبارت بود از: انقلاب صنعتی (۱۸۳۰-۱۷۶۰م)، انقلاب آمریکا (۱۷۷۶م) و انقلاب فرانسه (۱۷۸۹م). آغاز روابط خصمانه و نابرابر ایران با غرب و شکست‌ها و سرخوردگی‌های ممتد سبب تلاش گروهی از ایرانیان وطن‌دوست برای جبران عقب‌ماندگی‌ها شد. دولتمردانی نظیر عباس میرزا و در دوره‌های بعد افرادی مانند امیرکبیر از یک سو و متفکرانی مانند میرزا یوسف خان مستشارالدوله، مجدالاسلام کرمانی، میرزا آقاخان کرمانی و... از سوی دیگر همت خود را صرف جبران این عقب‌ماندگی کردند. کسانی که دستی در امور اجرایی داشتند، از طریق اقدامات عملی در زمینه نظام، صنعت و روش‌هایی از این قبیل، و اندیشمندان نیز با چاپ و ترجمه کتاب، انتشار روزنامه و فعالیت‌های گسترده فرهنگی سهم خود را ایفا می‌کردند. گرچه شمار روزنامه‌های منتشره در عصر قاجار در قیاس با کشورهای مترقی و نیز به تناسب جمعیت بسیار ناچیز بود و همین اندک نشریه‌ها نیز با مانع اساسی بسیاری مواجه بود، اما درمیان همین تعداد اندک نشریه‌ها روزنامه‌های بسیار ارزشمند و تأثیرگذاری وجود داشتند. اختر از روزنامه‌هایی بود که درد جامعه ایران را به‌خوبی تشخیص داده و اهداف خود را براساس رسالت رسانه‌ای خود، در راستای بیان مشکلات و کمبودها و عقب‌ماندگی‌ها و ازسوی‌دیگر راه‌های درمان آنها قرار داده بود و همان‌گونه که گفته شد علی‌رغم خطرات و تهدیدهای مختلف رسالت خود را در آن مقطع زمانی به‌درستی انجام داد. بیان پیشرفت‌های دیگران در ابعاد مختلف و درمقابل عقب‌ماندگی جامعه ایران، یکی از چند رسالت بزرگی بود که اختر به روش‌های مختلف آن را دنبال کرد و در این زمینه نیز کاملاً موفق بود. اختر با بهره بردن از شیوه‌های متنوع تبلیغی به بهترین صورت بیماری جامعه ایران و علل و عوامل آن را به نمایش گذاشت و راه‌های درمان آن را نشان داد.

منابع

الف- نشریه‌ها

- اختر (۱۲۹۲)، روزنامه اختر، سال اول، شماره ۱۰، چهارشنبه بیست‌ونهم ذی‌الحجه ۱۲۹۲، ص: ۱.
- اختر (۱۲۹۳)، روزنامه اختر، سال اول، شماره ۲۰، شانزدهم محرم ۱۲۹۳، ص: ۱.
- اختر (۱۲۹۳ب)، روزنامه اختر، سال دوم، شماره ۲۵، شنبه بیست‌وسوم محرم ۱۲۹۳، ص: ۱.
- اختر (۱۲۹۳پ)، روزنامه اختر، سال دوم، شماره ۲۷، بیست‌وششم محرم ۱۲۹۳.
- اختر (۱۲۹۳ت)، روزنامه اختر، سال دوم، شماره ۴۲، هجدهم صفر ۱۲۹۳.
- اختر (۱۲۹۳ث)، روزنامه اختر، سال دوم، شماره ۴۳، نوزدهم صفر ۱۲۹۳.
- اختر (۱۲۹۴)، روزنامه اختر، سال سوم، شماره ۷، دهم صفر ۱۲۹۴، ص: ۲۳.
- اختر (۱۲۹۴ب)، روزنامه اختر، سال سوم، شماره ۵۶، بیست و پنجم رمضان ۱۲۹۴، ص: ۴۱۰.
- اختر (۱۲۹۵)، روزنامه اختر، سال چهارم، شماره ۱۰، هشتم ربیع‌الاول ۱۲۹۵.
- اختر (۱۲۹۵ب)، روزنامه اختر، سال چهارم، شماره ۳۹، چهارشنبه پنجم شوال ۱۲۹۵، ص: ۳۱۳.
- اختر (۱۲۹۵پ)، روزنامه اختر، سال چهارم، شماره ۴۴، دهم ذی‌القعدة ۱۲۹۵، ص: ۳۴۹.
- اختر (۱۲۹۷)، روزنامه اختر، سال ششم، شماره ۱۳، بیست و هشتم ربیع‌الاول ۱۲۹۷، ص: ۱۰۶.
- اختر (۱۲۹۷ب)، روزنامه اختر، سال ششم، شماره ۲۲، سوم جمادی‌الثانی ۱۲۹۷.
- اختر (۱۲۹۷پ)، روزنامه اختر، سال ششم، شماره ۳۶، ششم ذی‌القعدة ۱۲۹۷.
- اختر (۱۲۹۸)، روزنامه اختر، سال هفتم، شماره ۱۰، بیست و سوم ربیع‌الاول ۱۲۹۸.
- اختر (۱۲۹۹)، روزنامه اختر، سال هشتم، شماره ۱۰، چهارشنبه چهارم ربیع‌الاول ۱۲۹۹، ص: ۲۲۷.
- اختر (۱۲۹۹ب)، روزنامه اختر، سال هشتم، شماره ۱۹، نهم جمادی‌الاول ۱۲۹۹، ص: ۱۴۱.
- اختر (۱۲۹۹پ)، روزنامه اختر، سال هشتم، شماره ۲۹، نوزدهم رجب ۱۲۹۹، ص: ۲۲۷.
- اختر (۱۳۰۳)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۱۰، دوازدهم ذی‌الحجه ۱۳۰۲.
- اختر (۱۳۰۳ب)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۲۸، چهارشنبه بیست و یکم ربیع‌الثانی ۱۳۰۳، ص: ۲۲۴.

- اختر (۱۳۰۳ پ)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۴، چهارشنبه چهارم جمادی‌الثانی ۱۳۰۳، ص: ۲۶۵.
- اختر (۱۳۰۳ ت)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۴، چهارشنبه چهارم جمادی‌الثانی ۱۳۰۳، ص: ۲۶۹.
- اختر (۱۳۰۳ ث)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۵، چهارشنبه دهم جمادی‌الثانی ۱۳۰۳، ص: ۲۷۳.
- اختر (۱۳۰۳ ج)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۵، چهارشنبه دهم جمادی‌الثانی ۱۳۰۳، ص: ۲۸۷.
- اختر (۱۳۰۳ ح)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۶، چهارشنبه هفدهم جمادی‌الثانی ۱۳۰۳، ص: ۳۱۰.
- اختر (۱۳۰۳ خ)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۶، رجب ۱۳۰۳، ص: ۳۳۵.
- اختر (۱۳۰۳ د)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۶، رجب ۱۳۰۳، ص: ۳۳۶.
- اختر (۱۳۰۳ ذ)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۶، چهارشنبه چهاردهم شعبان ۱۳۰۳، ص: ۳۵۱.
- اختر (۱۳۰۳ ر)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۷، چهارشنبه بیست و یکم شعبان ۱۳۰۳، ص: ۳۶۷.
- اختر (۱۳۰۳ ز)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۷، چهارشنبه بیست و هشتم شعبان ۱۳۰۳، ص: ۳۶۷.
- اختر (۱۳۰۳ ژ)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۷، چهارشنبه پنجم رمضان ۱۳۰۳، ص: ۳۷۴.
- اختر (۱۳۰۳ س)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۸، چهارشنبه دوازدهم رمضان ۱۳۰۳، ص: ۳۸۴.
- اختر (۱۳۰۳ ش)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۳۹، چهارشنبه نوزدهم رمضان ۱۳۰۳، ص: ۳۹۱.
- اختر (۱۳۰۳ ص)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۴۰، چهارشنبه بیست و هفتم رمضان ۱۳۰۳، ص: ۴۰۰.

- اختر (۱۳۰۳ص)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۵۱، چهارشنبه چهارم شوال ۱۳۰۳، ص: ۴۰۳.
- اختر (۱۳۰۳ط)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۵۲، چهارشنبه یازدهم شوال ۱۳۰۳، ص: ۴۱۶.
- اختر (۱۳۰۳ظ)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۵۳، چهارشنبه هجدهم شوال ۱۳۰۳، ص: ۴۲۱.
- اختر (۱۳۰۳ع)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۵۴، چهارشنبه بیست و پنجم شوال ۱۳۰۳، ص: ۴۳۱.
- اختر (۱۳۰۳غ)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۵۴، چهارشنبه بیست و پنجم شوال ۱۳۰۳، ص: ۴۳۲.
- اختر (۱۳۰۳ف)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۵۵، چهارشنبه دوم ذی‌القعدة ۱۳۰۳، ص: ۴۴۰.
- اختر (۱۳۰۳ق)، روزنامه اختر، سال دوازدهم، شماره ۵۶، چهارشنبه نهم ذی‌القعدة ۱۳۰۳، ص: ۴۴۷.
- اختر (۱۳۰۸)، روزنامه اختر، سال هفدهم، شماره ۲۰، هجدهم جمادی‌الاول ۱۳۰۸، ص: ۱۵۶.
- اختر (۱۳۰۸ب)، روزنامه اختر، سال هفدهم، شماره ۲۰، هجدهم جمادی‌الاول ۱۳۰۸، ص: ۱۵۷.
- اختر (۱۳۱۲)، روزنامه اختر، سال بیست‌ویکم، شماره ۴، دوازدهم صفر ۱۳۱۲، ص: ۴۶.
- وطن (۱۳۲۴الف)، روزنامه وطن، شماره ۶، بیست و دوم محرم ۱۳۲۴، ص: ۳.
- وطن (۱۳۲۴ب)، روزنامه وطن، شماره ۷، پنجم صفر ۱۳۲۴، ص: ۴.
- اخوت (۱۳۲۴)، روزنامه اخوت، سال اول، شماره ۱، پنج‌شنبه دوم ذی‌الحجه ۱۳۲۴، ص: ۱.
- پرورش (۱۳۱۸)، روزنامه پرورش، شماره ۷، دوشنبه بیست و شش ربیع‌الاول، ۱۳۱۸، ص: ۷.
- تمدن (۱۳۲۵)، روزنامه تمدن، سال اول، شماره ۳، دوم محرم، ۱۳۲۵، ص: ۱.
- ب- کتابها
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱)، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سیه‌سالار، تهران: خوارزمی.

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۰)، شورشیرامتیازرزی، تهران: پیام.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲)، از صباتانیمما (تاریخ ۱۵۰ ساله ادب فارسی، چاپ هشتم، ج ۱، تهران: انتشارات زوار.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۸)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، چاپ پنجم، ج ۶، تهران: انتشارات زوار.
- براون، ادوارد (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه دکتر بهرام مقدادی، تهران: انتشارات مروارید.
- براون، ادوارد (۱۳۳۷)، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ج ۲، ترجمه محمد عباسی، تهران: نشر معرفت.
- دهقان نژاد، مرتضی (۱۳۸۸)، «ریشه‌های عقب ماندگی اقتصادی ایران»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۳۸، ۲۵-۲۰.
- رجایی، عبدالمهدی (بی‌تا)، «نقد روزنامه اختر»، رسانه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳، ۱۰۸-۹۸.
- ساسانی، خان ملک (۱۳۴۵)، یادبودهای سفارت استانبول، چاپ اول، تهران: چاپخانه فردوسی.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۳۲)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: بینا.
- فراهانی، میرزا حسین (۱۳۴۲)، سفرنامه، به اهتمام حافظ فرمانفرمائیان، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.